

در حاشیه نظرات نکته دان و نکته سنج پیرامون قیام 24 هرات

نویسنده: نعیم ترکانی - برگرفته شده از سایت افغان موج

من قبلا خاطرات و چشم دید های خود را از قیام بسیت و چهارم حوت هرات هر چند مختصر بود؛ نوشته ام. اما اخیرا نقد گونه ای از آقای نکته سنج ظاهرا به جواب کس دیگری بنام نکته دادن در سایت آریایی به نشر رسیده است که مقداری از نظرات ایشان خلاف واقعیت و به اصطلاح من در آمد است. من تا حال به نوشته نکته دان بر نخورده ام اما از اینکه میدانم هر دو نوشته از نکات نظر هر دوی ایشان سرچشمه گرفته است. میخوام بنا بر آنچه من به حیث شاهد عینی دیده ام بدون دخل و تصرف و جهت گیری به نفع این و آن بیان کنم.

1. هیچکس نمیتواند قیام مردم هرات را یک حرکت غیر عادلانه و یا به دستور و رهنمایی بیگانگان ارزیابی کند.
2. جای شک نیست که در آمار و ارقام کشته شدگان مبالغه ای در کار نباشد.
3. اینکه رفتار و اعمال اشتباه آمیز اعضای ح.د.خ. علت اصلی قیام مردم بود صد در صد درست و منطقی است.
4. بدون مبالغه هسته های مقاومت علیه حزب و دولت از همان آوان کودتای ثور نه تنها در هرات بلکه در اقصی نقاط افغانستان گذاشته شده بود.

من در نیمه سال 1357 از کابل به حیث معلم لیسه زراعت هرات آمدم. فضای سیاسی خیلی گرم بود و تقریبا هفته یکبار به بهانه های مختلف پشتیبانی از فلان فرمان انقلابی و بمناسبت هسته گذاری فلان سازمان انقلابی تظاهرات به راه انداخته میشد. نطاقان به نام فیودالان و ملا ها هر بد و ردی که میخواستند از طریق بلند گوی ها حواله میکردند. دوکانداران را مجبور میساختند که درب دوکان های خود را با تکه های سرخ که روی آن با خط سفید نان، لباس و خانه نوشته باشد تزیین کنند. شاگردان مکتب چه از ذکور و اناث را به وعده های فریبنده به سازمان های اولیه حزبی میکشانند. برای معلمین ابلاغ میگردید که نباید کسی ناکام شود و به اینترتیب غبی ترین شاگردان به سازمان های اولیه جلب میشدند. سازمان های حزبی هرکس را که میخواستند در درون سازمان اولیه محبوس میکردند. استنطاق میکردند مجازات میکردند. اعضای سازمان های اولیه به حیث مخبرین اوضاع مکتب و محل بود و باش خود هرکس را میخواستند به محکمه انقلابی میکشانند.

در همین وضع بیرق ملی سیاه سرخ و سبز به رنگ سرخ تبدیل شد که روی آن عوض چکش نشان کارگر اتحاد شوروی وقت چرخ دندانه دار و عوض داس خوشه گندم و نام خلق رسم شده بود. نشان محراب و منبر از میان رفته و در همین روز حفیظ الله امین تمام مسلمان افغانستان را که در مقابل حزب ایستادگی میکردند به مبارزه طلبید.

فرمان اصلاحات اراضی بدون در نظر داشت جنبه های ضد دینی و فرهنگی اش تطبیق عجولانه میگردید و مالکیت بزرگ را بر زمین ملاک تثبیت میکرد. حتی من شاهد بودم که یکی از شاگردان صنف ده را در سازمان اولیه چنان شکنجه کرده بودند که روی مچ دستهایش در اثر فشار دستبند کبود شده بود. در زمان آقاگل باعث که منشی کمیته ولایتی حزب بود قرار گفته ای مردم در مسجد جامع بزرگ شهر به نمازگذاران گفته شده بود که دنبال نماز را رها کنند. آقای نظیف الله نهضت و بعدا عبدالحی یتیم و عده ای از دوستانش بعضی از زنان را مورد استفاده

های شهوانی قرار میدادند. با آمدن نظیف الله نهضت تقریباً تمام مقامات حزبی و دولتی به کسانی سپرده شد که نه از هرات بودند. نه سواد کافی داشتند و نه تجربه برای اداره و برخورد انسانی با مردم. در ولسوالی ها مسجد ها را کورس سوادآموزی ساخته و زنان و دختران مردم را به زور و تهدید به آن کورس ها فرامیخواندند. روزیکه نظیف الله نهضت به حیث والی هرات به مردم معرفی میشد. در صحن مکتب متوسطه موفق همه مامورین و معلمین و متعلمین را جمع نموده بودند و درست بیاد دارم که او بعد از دادن چند اخطار به کسانی که راه انقلاب ثور!! را تعقیب نمیکنند و یا ضدیت خود را با آن ابلاغ میکنند. یکباره فریاد زد زنده باد قومندان انقلاب ثور خفیظ الله امین.

هرات یکی از شهر های مذهبی افغانستان بوده و مردم آن تا زمانیکه کارد به استخوان نرسد آرزو ندارند دست به شمشیر برده و یا سر به شورش بر دارند. در اخیر سنبله من به خانه ای یکی از دوستانم رفتم که تازه از محبس فرقه هرات رها شده بود. او میگفت حد اقل هفتصد نفر زندانی تنها در فرقه هرات بوده و این بر علاوه محبس عمومی هرات، و زندان های دیگری بود.

اعضای حزب و سازمان های اولیه با جرئت و بدون ترس تبلیغات ضد دینی را اشاعه میدادند. و به علمای دینی اشعار کنایه آلود و مقالات تند در روزنامه اتفاق اسلام نشر میشد.

در مورد گفته آقای نکته سنج که گویا ایران در بی ثباتی اوضاع هرات نقش داشته است همیقدر باید بگویم اگر ایشان این موضوع را از زاویه دیگری میدیدند خیلی بهتر بود ولی خنده دار است که بگویم تلویزیون ایران بخاطر متشنج ساختن اوضاع امنیتی کوشش میکرد. مبالغه است. زیرا در فاصله یک ماهی که از پیروزی اسلامیون در ایران میگذشت قیام مردم هرات به وقوع پیوست و طبیعتاً درین مقطع تاریخی مشکلات آخذ های ایران به اندازه بود که نه هنوز به شعار صدور انقلاب اسلامی فکر میکردند و نه حوصله مداخله به همسایگان را داشتند. تلویزیون ایران که من شاهد اش بودم مصروف تبلیغ در جهت استحکام پایه های سیاسی نظام آخذی بود و کشمکش میان جناح های مختلف در ایران جریان داشت.

آقای نکته سنج میگویند بعضی از خوانین هرات با استفاده از کانال های تلویزیونی ایران مردم را به شورش دعوت میکردند و اگر چه خفیظ الله امین در آنوقت شورشیان را همه ایرانی خطاب مینمود و شاگرد اش نظیف الله نهضت سردسته های شورشیان و سلاح های آنان را از ایران میداند و بعداً آقای نکته سنج تبلیغات را برای شورش هرات از ایرانیها میداند.

در ماه دلو سال 1357 زمانیکه شاه ایران را ترک و گروه های شورشی ایران را زیر کنترل خود در آوردند اعضای حزب خلق در افغانستان دست از پانمیشناختند و برای پیروزی حزب توده ای ایران به همدیگر تبریک میگفتند. اما دیری نگذشت و این گمان شان به یأس تبدیل شد زیرا خمینی قدرت دولتی را به اصرع وقت غصب نموده و اعضای حزب توده را یکی پی دیگر بازداشت نمود. گذشته ازین ها چنانکه گفته آمد قبل از پیروزی خمینی در هرات و در دیگر ولایات نظم سیاسی وجود نداشت که بنا بر گفته آقای نکته سنج ایران باعث اخلال آن

شده باشد. زیرا از نظر سیاسی دولت و حزب برسر اقتدار پیوسته در حالت اضمحلال ارزیابی میشد. در اوایل ماه جوزا تعدادی از بلند پایه ترین اعضای حزب تبعید و تعدا زیادی به زندان ها انداخته شدند. در نورستان و کنر قیام مردم علیه دولت و حزب خلق به وقوع پیوست که طی آن هزاران انسان به قتل رسید. در اسد همانسال جنرال قادر رهبر کودتای نظامی با سلطانهلی کشتمند و شاپور احمدزی درستیزوال قوای مسلح بنام کودتا چیان بازداشت و روانه محبس ها شدند. تقریبا اکثریت روشنفکران و تحصیلکردگان به بهانه های مختلف دستگیر کشته و یا در سلول های زندان ها بودند. حزب خلق یکه تاز میدان بوده و هر نوع اندیشه ای غیر از صلح و سوسیالیزم را سرکوب مینمود. عایدات دولت بنا بر اخلال سیستم های زیربنایی قوس نزولی را طی میکرد.

آقای نکته سنج مینویسد: «... متاسفانه یک تعداد از شهریان هرات که توانائی فکری و قدرت مادی سازماندهی حرکات سیاسی ضد دولتی را داشتند، نظام سیاسی آنوقت افغانستان را صرفا از چشم و نظر مطبوعات ایران می دیدند...» البته چنین یک تحلیلی میتواند عوامفریبانه باشد و برای آنانیکه در صحنه قرار نداشتند به زحمت مورد قبول قرار گیرد. اما واقعیت امر آنست که بر خلاف ادعای نکته سنج قیام هرات نه از شهر ها بلکه از روستا های پنجاه تا صد کیلو متری شهر هرات یعنی غوریان، و پشتون زرغون آغاز شده بود جایکه در آن نه تلویزیون و نه هم مطبوعاتی بود. هر نوع حرکت سازماندهی شده برای قیام را مردم خیلی عادی و معتقد به اسلام در دست داشتند. چنانکه از شهریان هرات غیر از پهلوان فضل احمد تا امروز نامی برده نشده و اشخاص مورد نظر آقای نکته سنج قرار آتی معرفی میشوند: 1- گل احمد تیزانی (قریه تیزان ولسوالی گذره). 2- داود جوان (قریه زیارت جا ولسوالی گذره). 3- شیرآقا چونگر، تورن غلام رسول (ولسوالی انجیل). 4- کریم صغیر (کرخ). 5- پهلوان جمعه گل، عارف و آصف، (انجیل). 6- حاجی رحیم کبابیان (انجیل). 7- علیخان. (انجیل). 8- تورن اسماعیل صاحب منصب. ولی رهبری قیام را در فرقه هفده بعهده داشت. 9- صفی الله افضلی (ولسوالی انجیل).

لازم به یادآوری است که قوماندان عارف، آصف، داود جوان در قیام هرات نقش تعیین کننده نداشتند و آنان بعد از قیام هرات در چوکات ملیشای دولتی از میان مجاهدین سر بلند کردند. تقریبا بعد از پیروزی کودتای ثورحنش های مقاومت در تمام افغانستان و از آنجمله هرات به رهبری روحانیون هسته گذاری شد. موضوع دیگری را که آقای نکته سنج علت قیام مردم هرات میدانند چنین است «... در آوان ریاست جمهوری مرحوم و مغفور سردارمحمد داود خان، تعداد زیادی از مردم از افغانستان بخصوص از هرات برای کار و غریبی به ایران می رفتند تا با فروش نیروی کار خویش بتوانند فامیل های خود را اعاشه نموده و مشکلات اقتصادی خود را رفع نمایند. درین میان یک تعداد افردیکه سوابق جرمی از قبیل دزدی و قتل های مکرر داشتند و مورد تعقیب قانونی قرار داشتند به ایران فرار نموده بودند و جرات بازگشت را بوطن نداشتند...» این گفته انسان را بیاد همان طرز بیان حفیظ الله امین میاندازد که در مصاحبه اش با خبرنگار رویتر میگفت: هزاران ایرانی با سلاح داخل هرات شده شورش به راه انداختند با یک تفاوت جزئی که آقای نکته سنج اینبار به کشف عجیبی دست یافته و همان رهبرانی را که روزی به دولت خلقی پیوسته بودند دزد و قاتل دوران داود خان معرفی میکند. ولی هرگز نمیگوید که مثلا کدام رهبر قیام هرات دزد و یا مجرم به قتل در زمان داود خان بود.

آقای نکته سنج عزیز سنجش شما شکر که بر محور یک نکته میچرخد و گرخدای ناخواسته به دور یک جمله و یا پاراگراف میچرخید شاید تجاوزات شوروی، امریکا و انگلیس را هم به دوش آخذند های ایران انداخته و حتی تعدادی از صفوف حزب خلق که در زمان امین به محبس افتاد را هم به دوش آخذند های ایران میانداخت و رد جنایات و ظنفروشان را گم میکرد. اگر من به نیروی دشمن ستیز این مردم باور نمیداشتم شاید از آخذند های ایران زیادتز از شوروی ها، امریکایی ها و انگلیس و آلمان میترسیدم . ولی باید به خاطر داشته باشید که با به میان کشیدن قدرت کذابی آخذند های ایران نمیشود جنایات شوروی ها و امریکا و انگلیس را پایمال و گم کرد. دشمن این آب و خاک کسانی اند که در طول تاریخ به هجوم نظامی و فرهنگی دست زده اند. نعمت الله ترکانی

منبع : http://www.afghanmaug.net/index.php?option=com_content&task=view&id=360&Itemid=31